

## ● آسیب شناسی تصمیم در راهبرد امنیت ملی

(مقاله)

✍ حسین عساریان نژاد<sup>۱</sup>

### □ چکیده:

این مقاله با هدف نقد آسیب شناسانه مسائل مرتبط با تدوین رویه های راهبرد امنیت ملی در کشورها، بر آن است که تنظیم و اجرای راهبردهای امنیتی را از جهات مختلفی، همچون تصمیم سازی و تصمیم گیری، به کارگیری بهینه ابزارهای مطلوب و نیز تبیین راهبردها و تعیین متدولوژی امنیتی، که واجد توانمندی در نقد و بیان ویژگی آسیب است، ترسیم کند. از این رو، با گذر از تعاریف، اصطلاحات و مفاهیم و طرح اصول و قواعد حاکم بر تبیین نظریه های امنیت ملی در کشور، به حوزه های آسیب شناسی در فرایند تنظیم راهبرد امنیت ملی، با ملاحظه دو معیار شناختاری و تشکیلاتی و نیز راهبردها و حیطه منشی ها نظر کرده و در قالب یک شناخت زمینه ای و روش تحلیلی به نتیجه گیری می پردازد.

□ **کلید واژه ها:** منافع امنیت ملی، آسیب شناسی، تصمیم گیری، راهبرد در امنیت ملی.

سیاست امنیتی

## □ مقدمه:

راهبرد امنیتی بیش از هر امری، بیانگر اهداف و مقاصد حوزه امنیت ملی هر کشور بوده که ممکن است واکنشی به تهدیدات و فشارهای بین‌المللی و گروه‌های مخالف باشد و یا به منظور نیل به اهداف و منافع ملی کشور تدوین و مشخصاً سبب شود تا کشورها تلاش کنند آرا و نظرات مربوط به منافع امنیت ملی را در قالب اهداف و مقاصد، شکل داده و شرایط داخلی و بین‌المللی کشور را تحت کنترل قرار دهند. در این میان دولت مردان با تجزیه و تحلیل منابع و توانایی‌های امنیت‌ساز کشور، به منظور دستیابی روزافزون قدرت، طرح راهبرد مطلوب خود را در راستای بهره‌گیری از امکانات کشور برای مقابله با عوامل متغیر و مؤثر نا امن ساز ملی تدبیر می‌نمایند در این قالب در ابتدا نخبگان تلاش می‌نمایند در چارچوب سیاست‌ها و منافع امنیت ملی یک قالب ذهنی از ضرورت‌های بودن و ماندن را در قالبی از مدل‌های تصمیم‌سازی فراهم و معیارها و ضوابط مشخصی را در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهند تا براساس آن، اهداف و منافع امنیت ملی را به گونه‌ای در تصمیمات خود لحاظ کرده و به تدوین راهبرد بپردازند تا امکان ترسیم هرگونه انحراف و تغییر جهت مغایرت با اصول پذیرفته شده را تحت کنترل و مدیریت خود در آورند.

ولی در نقطه مقابل آن امکان اخذ تصمیمات ضعیف در حوزه امنیت ملی ممکن است تمامیت ارضی، نظام سیاسی - اجتماعی، میراث فرهنگی و یا در نهایت، فلسفه سیاسی یک نظام را مورد خدشه قرار داده و اولویت‌های حاکم بر ادبیات رفاه اقتصادی، افزایش قدرت و یا کسب جایگاه به عنوان ارزش‌های اساسی امنیت ملی یک کشور را دچار تغییر و سردرگمی نماید. جدای از آن که هدف‌گیری صحیح حوزه امنیت ملی گاه می‌تواند به حدی مبهم گردد که به آسانی نتوان رابطه میان سیاست‌گذاری امنیتی دولت‌ها و منافع امنیت ملی آنها را فهم نمود؛ و برخی برداشت‌های متعارضی از آن می‌کنند؛ ولی این بدان معنا نیست که تصمیمات این حوزه ذاتاً باید مبهم باشد بلکه در اصل بایست، خود را از آسیب‌های وارده بر تصمیم‌گیری راهبردی مبرا سازد و اصل اطمینان در هدف و نتیجه تصمیم فراهم و قابل اتکاء باشد.

## □ بیان مسأله:

تنظیم راهبرد فی‌النفسه مستعد پاسخ به بسیاری از سؤالات، ابهامات و مسائل مختلف است. سؤالاتی که هرگز یک دست نخواهند بود؛ زیرا هریک نماد خاصی از موضوع را نشانه می‌روند. به عنوان مثال:

مبنا و ماهیت در ادبیات راهبردی چیست؟

چه ارتباطی میان راهبرد ملی و راهبرد های امنیت ملی وجود دارد؟

آیا همه راهبرد ها متأثر از راهبرد ملی است یا مستقل از آن ؟

فرایند اعمال راهبرد در حوزه امنیت ملی چگونه خواهد بود ؟

موانع و محدودیت های اجرای آن چه می باشد ؟

الگوهای حاکم بر تنظیم راهبرد امنیت ملی چیست؟ به عبارت دیگر چه نوع راهبردهایی در حوزه امنیت ملی وجود دارد؟

کدام راهبرد در حوزه امنیت ملی برای پیروی مناسب است؟

رابطه امنیت ملی و سیاست چگونه است؟ و چگونه می‌توان میزان موفقیت یک سیاست امنیتی را ارزیابی نمود؟

بدیهی است که پاسخ پرسش های مزبور متفاوت خواهد بود؛ نه به آن دلیل که « هرکجا پرسش باشد، جواب آنجا رود»؛ بلکه مصداق « یار از ظن خویش » و تناسب اندوخته های علمی - تجربی است که پاسخ ها فراخور گشته یا تفاوت پیدا می کنند. پیچیدگی و غلظت موضوع هم ریشه در همین مبنا دارد که اگر موانع و سنگلاخ های موجود در مسیر تحقق امنیت ملی و میادین ناهموار فراروی آن را لحاظ کنیم، پیچیدگی های امنیت ملی و ابزار اجرایی آن یعنی قدرت ملی، فزونی می گیرد. در این میان، سیاست های امنیتی و دفاعی کشورها مستلزم گمانه ها، پندارها و احیاناً داوری ها و حکمیت های مختلف الوجه است.

در بررسی های راهبردی که در تصمیم گیری های امنیت ملی کشورهای مختلف صورت می گیرد، عده ای نتیجه تصمیمات را ناکام و برخی دیگر کامیاب و یا واجد توفیق نسبی می شناسند؛ اما بعضی آن را فاقد ظرفیت لازم و برخی دیگر، در تحقیقهای خود برای آن ظرفیت های فراخ مثال می زنند. دسته ای دیگر بذر شبهه در کیفیت راهبردها می اندازد و عده ای در رساله و مقالات مختلف از شک و تردید در توان تحقق آن یاد می کنند. برخی سیاست های اجرائی و تصمیم سازان

راهبردها را به شدت متأثر از رویکردهای ایدئولوژیک دیده و بعضی آن را شدت واقع گرا و متکی بر ایده در منافع ملی شناخته اند. جمعی تلاش دارند تا تصمیمات راهبردی را انقلابی و رادیکال دانسته و با ذهنیت خود آنها را ناکارآمد فرض کنند و گروهی در تحلیل خود در تصمیمات راهبردی آنها را محتاطانه و محافظه کارانه برمی شمارند. عده ای در سنجش و تحلیل داده ها، تصمیمات آن را اصولی و منسجم انگاشته برخی اندیشمندان تصمیمات راهبردی کشورها را متشتت و متفرق می خوانند. در هر حال، آسیب شناسی همه جانبه رویه های تدوین راهبرد امنیت ملی در هر کشور باید با پاسخ های فراگیر به سؤالات مذکور، شناخت چالش های پیش رو، درک فرایند پیچیده تصمیم سازی و تصمیم گیری در حوزه مزبور، ارزیابی دقیق اصول و فروع حاکم بر آن، اعمال قدرت و سیاست و مکانیسم و نیز تحلیل ضعف ها و کاستی های مختلفی که در آن صورت گرفته را کشف، و علت و مسأله اساسی در بروز آن را بسیار با اهمیت فرض کنند که در آن صورت نیازمند کنکاشی همه سو نگر، نقبی عمیق است که بی توجهی به آن، عمدتاً سبب ظهور آسیب و یا تزلزل در چشم انداز تحقق اهداف امنیت ملی در کشورها می گردد.

### □ ضرورت و اهمیت تحقیق:

آسیب شناسی در تمامی علوم امری مثبت تلقی و سازوکاری برای موشکافی و تضعیف نیست؛ بلکه یک ضرورت است؛ و در این مقاله ضرورتی برای پالایش و آرایش سیاستگذاری در حوزه امنیت ملی و فرایند اعمال راهبرد امنیت ملی است که از اهمیتی بسیار والا برخوردار می باشد. این مهم در فضای کنونی جهان که در آن تحولات چشمگیر و رقابتهای شگرفی در بین کشورها در حال رقم خوردن است، مضاعف می شود، اقتصاد و تجارت منطقه ای و جهانی و سیاستهای غلط امنیتی و هژمونیک غرب از یک سو و بروز تغییراتی که موجب می شود؛ منابع طبیعی به تدریج تحلیل و در نهایت نایاب شود و انقلاب ارتباطات و گسترش رسانه ها، کره زمین را کوچک سازد. به همراه قوانین فرامرزی، سیاست یک جانبه گرایانه و سلطه جویانه در کنار تحریم ها و حمله های خودسرانه غرب، که نهادهای بین المللی را به بازی گرفته، از سوی دیگر سبب شده است تا مفهوم امنیت ملی «راستای افزایش مزیت نسبی کشورها» متحول و توجه به تقویت و ارتقاء اصول تنظیم راهبرد امنیت ملی را در دستور کار تمامی نخبگان مخالف و یا موافق این روند قرار گیرد. گسترش

فقر، شیوع بیماری های خطرناک فرامرزی، آلودگی محیط زیست، تهاجمات نرم و فرهنگی، روندهای استعماری نوین، جنایات سازمان یافته، قاچاق انسان، مواد مخدر، تکثیر و انبساط سازی سلاح های کشتار جمعی و انواع مهاجرت ها هریک به گونه ای در عرصه امنیت ملی از محورهای بارز قلمداد شده است. موارد فوق به این معنا است که توجه به پیچیدگیها در راهبرد امنیت ملی، در ابتدا به فراوانی موضوعات مستحدث گردیده و توجه و پیش گیری از آسیب ضروری می نمایند. از این رو می طلبد که توجه به اصول و قواعد تصمیم را جدی گرفته تا به دنبال آن از حلقه های بروز آسیب در تصمیم گیری راهبرد در حوزه امنیت ملی با موفقیت عبور کنیم. [۱:۳۷]

#### □ هدف تحقیق:

در آسیب شناسی رویه های تصمیم گیری در قالب راهبرد امنیت ملی که با تکیه بر بررسی رخدادهای تجارب غلط تصمیم سازیهای امنیت ملی غرب در نفوذ در کشورهای مسلمان منطقه صورت گرفته، هدف این است که رویکردی ارائه شود تا، ملاحظات اصولی و قاعده مند در تصمیم سازی راهبردی هر نوع تصمیم گیری استراتژیک و امنیتی، به موازات اهداف و منافع ملی کشور لحاظ گردد به نظر می رسد که مهم ترین محورهایی که در هدف تحقق این مقاله باید مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

**اول:** تهدیدات و چالش های امنیتی پیش روی نظام های سیاسی و کشور را دقیقاً شناسایی نمایند؛

**دوم:** فرصت های امنیت ملی را درک و نحوه بهره برداری از آنها را فراهم کنند؛

**سوم:** در تدوین یک برنامه جامع راهبردی که موجب جهت گیری صحیح و هدایت منابع و امکانات موثر کشور در حوزه امنیت ملی گردد، بکوشند.

**چهارم:** در به کارگیری صحیح عوامل و امکانات تحقق امنیت ملی، جد و جهد لازم را مبذول دارند. به تعبیری دیگر «مهم ترین هدف این تحقیق، توصیه به ایجاد رویه مناسب در ایجاد در ثبات قابل اتکاء در تصمیم سازی امنیت ملی است که به فرایند مثبت امنیت یابی در ماتریس های مولد قدرت بینجامد و امر امنیت ملی را از ضعف و تشتت، به سوی مدیریت جامع علمی و نهادمند سوق دهد».

## □ مفاهیم اساسی تحقیق:

### ۱- سیاست امنیتی:

منظور از آن، دستیابی به اهداف ویژه ای است که بر پایهٔ منافع ملی تعریف و مشخص شده اند. برخی، سیاست امنیتی را عبارت می دانند از روندی پویا از منافع ملی در تطابق امن و با ثبات در قبال عوامل و شرایط بسیار متغیر امنیتی که امکان پیاده سازی اهداف را در کشور فراهم می سازد. [۲:۱۱۲]

### ۲- آسیب شناسی:

فرهنگ فارسی "عمید"، آسیب را مترادف آزار، گزند، درد، رنج، ضربه، زیان و خسارت آورده است. فرهنگ یک جلدی حییم معادل لاتین آسیب را Injury و Damage ذکر کرده است؛ به گونه ای که عمدتاً ناظر بر مسائل فیزیکی و ناتوانی قلمداد شده است. [۸:۷۵] از این رهگذر معنای صحیح آسیب شناسی آن است که یک نظام سیاسی، ابعاد امنیت ساز داخلی و خارجی خویش را از طریق مکانیسم های مناسب نقد نماید. [۳:۴۷]

### ۳- منافع امنیت ملی:

در تعریف منافع امنیت ملی گفته اند که تبلور و جلوهٔ امنیت ساز ارزش ها و منافع برخاسته از آن در نزد عموم مردم کشور و یا تعبیری از سیاست امنیت ساز کشور که برخاسته از منافع عمومی است؛ به این معنا که سیاست امنیتی، تنها رشته ای از اقدامات ملی به شمار نمی رود؛ بلکه اصولی است که از اقدامات ملی تأثیر و بر آن اثر می گذارند، یا اهدافی از امنیت ملی که باید برآورده گردند را نیز در بر می گیرد. براین اساس، تا آنجا که چنین مسائلی به اقدامات امنیت ملی یک کشور مربوط می شود؛ به آن منافع امنیت ملی می گویند. به صورت عینی تر، منافع امنیت ملی، در برگیرندهٔ اهدافی نظیر بقای کشور و به حداکثر رساندن قدرت ملی و نگهداری و گسترش ارزش های امنیت ساز است. [۴:۷۹]

### ۴- ایدئولوژی:

در ادبیات امنیت ملی، ایدئولوژی یعنی عقیده ای بنیادین که امنیت ساز است و به مجموعه ای از ایده ها و اندیشه ها درباره زندگی و جامعه ای امن در لوای

حکومتی لایق اطلاق می شود که با گذر زمان به صورت یک عقیده و نهاده ای مسلم در می آید. [۵:۹۴]

### ۵- شورای عالی امنیت ملی:

شورای عالی امنیت ملی، سازمانی وابسته به یکی از قوای کشور است که عهده دار تنظیم و اجرای راهبرد امنیت ملی در کشورها است و تحت عنوان های مختلفی در کشورها انجام وظیفه می نماید. در واقع، کل سازوکارهای تنظیم و پیگیری امنیت ملی از طریق شورای عالی امنیت ملی سامان می پذیرد؛ اما نباید از نظر دور داشت که شورای مزبور در مجموع دستگاه سیاستگذار امنیتی هر نظام سیاسی معنا می یابد. چرا که شورای عالی امنیت ملی هر نظام در برگیرنده نهادهای سیاست گذار، راهبردهای اجرایی و دستگاه های مجری است که دستگاه های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی یکی از آنها می باشد. [۶: ۴۹]

### روش تحقیق:

این تحقیق به دنبال آن است که با شرح، توصیف و ارزیابی فشارهای حاکم بر محیط، شرایط و قواعد تنظیم راهبرد و بررسی بایسته های ادراک آسیب در راهبردهای امنیتی و کلان یک کشور اهداف خود را در قالب یک روش تحقیق کیفی و غیر زمینه ای دنبال نماید.

در این راستا مفروض خود را بر آن قرار داده است که :

"منافع برخاسته از امنیت ملی، راهنما و انگیزه اصلی اعمال کلیه کشورها در حوزه امنیت ملی است و آسیب های این حوزه می تواند در تعیین اولویت های امنیتی که در شمار مبانی دیگر نظیر قانون اساسی، حاکمیت ارزش ها، رهنمودها و تدابیر کلی در حوزه دفاعی - امنیتی معنا می یابد را در هم ریخته و یا ریسک تحقق و پیگیری آنرا افزایش دهد و مانع از یک درک عمومی از شرایط امنیتی جامعه داخلی و محیط بین المللی و یافتن خود هویتی در برابر دیگران و ارائه میزانی از مرز خودیت و غیریت امنیت محور در محیط داخلی و بیرونی گردد."

### □ سؤال تحقیق:

قدرت و منافع، هر دو واجد جنبه های ذهنی و انتزاعی نیرومندی هستند که با ارزش ها در آمیخته شده اند. براین اساس به دشواری می توان معیارهای عام و کمیت پذیری برای سنجش و ارزیابی آنها به دست داد؛ خاصه آنکه در فرایند سیاست گذاری امنیتی نیز تمامی نخبگان و طراحان راهبرد ملی کشور به یک شکل به منافع امنیت ملی نمی نگرند، حداقل این که در خصوص اولویت ها و تقدم و تاخر عناصر منافع ملی شاهد خواهیم بود؛ از این رو سؤال این تحقیق را می توان بدین شکل عنوان نمود که: رویکرد اصولی در کنترل و کاهش آسیب های تصمیم گیری در راهبرد امنیت ملی کدام است؟

### □ فرضیه تحقیق:

آسیب شناسی تصمیم امنیتی سنجش و ارزیابی روند، فرایند و نتایج است که یک نظام سیاسی در تعامل با محیط امنیتی و یا در واقع درک نیازهای امنیت ملی خود دارد و لذا فرضیه این تحقیق را این گونه شکل می دهد که تا شناخت صحیحی از چالش ها، تهدیدات و فرصت های فراروی امنیت ملی اکتساب نکرده و آنها را بر یک بستری منطقی در قالب تصمیم بنا ننمائیم، نمی توان امنیت فعال یا اطمینان بخشی را شاهد باشیم.

### □ ادبیات تحقیق:

بسیاری از اندیشمندان امنیت ملی را به هنر و قابلیت هدایت منابع تولید قدرت در راستای احساس آرامش و نفی تهدید تعبیر کرده که بر مبنای متغیرهای زیر در کشورها شکل می گیرد :

۱- برداشت های ثبات برانگیز مرتبط با منافع ملی که در واقع، جهت گیری و هدف های قدرت ملی کشورها را تعیین می کند؛ [۵:۱۲۵]

۲- ارزش های حاکم بر یک کشور که تار و پود و مبنای ادبیات حیات و بقاء ملی را تشکیل می دهد؛ [۸:۳۲۱]

۳- فشارهای محیطی که هم در شکل گیری احساس ناامنی موثر بوده و هم می تواند منجر به توجه بیشتر در تنظیم رفتارهای امنیت را در کشورها شود؛ [۹:۱۲۱]



۴- قدرت یا میزان امکانات و محدودیت های کشورها که از نظر کلاسیک با ترکیب عناصر جمعیت، منابع طبیعی، جغرافیا، نیروی نظامی و ایدئولوژیک به احساس امنیت منجر می شود؛ [۱۰:۱۰۹]

۵- دستگاه سیاست گذاری یک کشور که ضرورتاً به سیستم تصمیم گیری مورد استفاده آن کشور وابسته و یاری رسان است. [۱۱:۴۷]

در یک استنباط کلی از ماهیت امنیت ملی به معنای امروزی آن، مشاهده می شود که مفهوم مزبور دیگر از قالب برداشت های سنتی از راهبرد که در گذشته بر آن حمل می شد، فراتر رفته و وظایف آن به صورت زیر تبلور یافته است:

۱- تسری احساس ثبات که شامل تشریح و تقویت سیاست های ملی از طریق سازکارهای تولید آرامش و زدودن تهدید است؛

۲- پایه گذاری یا زمینه سازی برای سیاست های پیگیر قدرت ملی در سطوح مختلف؛

لذا تصمیم سازی راهبردی در سیاست امنیت ملی، عبارت از فرایندی است که بستر اتخاذ تصمیمات معینی را از سوی مراجع رسمی فراهم می سازد؛ هرچند در این فرایند عموماً هم عوامل رسمی و هم غیر رسمی ایفای نقش می نمایند. اما تصمیم گیری عبارت از برون داده ای است که به طور رسمی از سوی مراجع ذی صلاح اعلام می گردد. به طور مثال در ساختار سیاست گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه و نهادهای ذیل را می توان در این راستا برشمرد:

#### **الف) نهادهای موثر و رسمی:**

- ۱- مقام معظم رهبری بر مبنای اصل ۱۱۰ قانون اساسی؛
- ۲- رئیس جمهوری بر مبنای اصول ۱۲۱ و ۱۱۳ قانون اساسی؛
- ۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام بر مبنای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی؛
- ۴- شورای عالی امنیت ملی بر مبنای اصل ۱۷۶ قانون اساسی؛
- ۵- مجلس شورای اسلامی بر مبنای اصول ۶۷، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۷۸، به ویژه از طریق کمیسیون امنیت ملی.

لازم به ذکر است که هریک از وزارتخانه ها و سازمان های اجرایی، دستگاه قضایی و نیروهای مسلح نیز نقش به سزایی در ساختار تصمیم گیری امنیتی کشور ایفا می کنند.

### ب) جایگاه های فیر رسمی:

- ۱- احزاب، گروه ها، جناح ها و شخصیت های سیاسی؛
- ۲- افکار عمومی و اقشار مختلف مردم؛
- ۳- مطبوعات، رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی؛
- ۴- تشکل ها و سازمان های غیر دولتی ( NGOs )؛
- ۵- حوزه های علمیه، دانشگاه ها و محافل آکادمیک؛
- ۶- اصناف مختلف صنعتی، کارگری و تجاری. [۱۰:۱۷۴]

### □ داده پردازي معيطي تحققي:

با توجه به اصول و قواعد ترسیمی در تصمیم سازی و تصمیم گیری امنیت ملی در کشورها، مهم ترین قالب جستجو و کشف آسیب در تصمیم سازی در راهبردهای امنیت ملی را چگونه می توان دسته بندی و تحلیل نمود؟

پاره ای از اندیشمندان و کارشناسان امنیتی در واکنش به سؤال مذکور در آثار و ادبیات به چاپ رسیده براین باورند که عدم وجود یک نهاد تکنو کراتیک و تخصصی- مشورتی در رابطه با موضوعات امنیت ملی که دیدگاههای نهادها، تشکیلات رسمی و غیر رسمی تأثیرگذار در امنیت کشور را مینای داده ها، ستاده ها یا حمایت ها، مطالبات و ملاحظات بخش های مختلف حکومتی را پردازش نمایند، مهم ترین جنبه آسیب شناسانه تصمیم سازی در سیاست امنیتی بسیاری از کشورهاست. [۱۲:۷۳]

براین اساس، ضرورت ایجاد وحدت و هماهنگی مواضع بخش های مختلف رسمی در هر نظام سیاسی و نیز ایجاد همسویی میان نظام سیاسی و دیگر عوامل موثر در حوزه تصمیم سازی ایجاب می کند تا حلقه های واسطی برای تحلیل و جمع بندی دیدگاههای رایج وجود داشته باشد. بدیهی است که نباید نقشی که نهادهایی چون، شورای عالی امنیت ملی و کمیسیون های تخصصی در نظامهای پارلمانی ایفا می نمایند را با مسأله هماهنگی مواضع و جمع بندی دیدگاه های موجود در جریان تصمیم سازی در حوزه امنیت ملی خلط شود، و به عوامل غیر رسمی هم چون رسانه های عمومی و مطبوعات وابسته به حوزه های غیرتخصصی در این حوزه که به صورت ذاتی و حتی حرفه ای مجوز ارائه نظر نهائی و تمام کننده را در حوزه سیاست های امنیتی را نداشته، بلکه هریک در چارچوبی معین و محدود به مصوبات

قانونی و از طریق ارائه نمایندگی خود به نهادهای قانونی با امنیت ملی کشور مرتبط می شوند، تکیه نمود. جدای از آنکه در برخی موارد حوزه و کانالهایی می توانند در خصوص سیاست های کلی در هر کشور و از جمله سیاست های امنیتی به طور عام نظر مشورتی خود را به مراجع ذیصلاح ارائه دهند و مکانیزم و نهاد مسئولی همچون شورای عالی امنیت ملی نیز در خصوص مسائلی که ابعاد بحران زای امنیتی دارند مصوباتی را مقرر می نماید که از حوزه درک و منافع احزاب، NGO ها و یا حتی افکار عمومی که در شرایط خاص و امنیتی قابل تحریک و سو دهی است خارج می باشد. بطور مثال ترکیب اصولی و قابل کنترل را می توان در ج.ا.ا مورد استفاده و الگو قرار داد.

در ج.ا.ا کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در چارچوب وظایف قوه مقننه عملاً کارکردی نظارتی بر قوه مجریه دارد. وزارت اطلاعات نیز به لحاظ ساختاری مسئولیت جذب و ارتقاء نظرات تمامی تصمیم سازان را در قالب اطلاع رسانی دقیق و بیطرفانه برعهده دارد.

از نکات بروز آسیب دیگر، که در حضور آمریکا در باتلاق عراق و گزارش بیکر-همیلتون قابل رویت است بی توجهی به ارزشهای کارشناسی در مقوله تصمیم گیری امنیتی است. به این معنا که کارشناسان و صاحب نظران امنیتی عملاً در حرکت و تصمیمات امنیتی در قالب نقشی نافذ و رسمی در شکل گیری تصمیم حضور و سهم داشته باشند در غیر این صورت گزارش ها و فعالیت های کارشناسی، بیشتر به صورت یک کالای نمایشی درآمده و ضد تصمیم عمل می نماید. و این آسیب سبب می شود تا مدیران عمدتاً وقت زیادی را صرف حفظ این روند نموده و اصول حاکم را به ورطه فراموشی بسپارند و هزینه های زیادی را مصروف پایداری در تصمیم خود نمایند. تمکین جورج بوش به گزارش مزبور زمانی در حال تحقق است که هزینه های زیادی بعد از انتشار آن بر شانه رئیس جمهوری آمریکا گذاشته شد.

براین اساس و با توجه به نکته فوق الذکر و نیز در راستای درک صحیح نظام تصمیم گیری و نهادهای تصمیم گیری در عرصه امنیت ملی، مقوله آسیب شناسی، وارد مرحله دیگری می شود و آن اینکه از یک طرف، عوامل و نهادهای رسمی بایستی در عرصه تصمیم گیری امنیتی ایفای نقش نمایند و از سوی دیگر همه نهادها خود را در فقدان دکترین و راهبرد امنیت ملی مسئول بدانند زیرا تحقق

راهبردهای امنیت ملی جز در انسجام و یکپارچگی تلاش برای بهینه سازی و آزادی عمل و نفی یکپارچه تهدید دولت ها و تسلط آنان بر امور داخلی و خارجی به منظور دستیابی به اهداف ملی قابل دسترس نیست [۱۴۳:۱۳]. در حقیقت امنیت ملی در تمامی کشورها بایستی با محیط داخلی و خارجی در تعامل یکپارچه باشند؛ اهداف، توانایی ها، راهبردها، ابزارها، فنون، تاکتیک ها، سبک ها، هم چنین تصمیمات، اقدامات و پیامدهای امنیت ملی همگی آنان در این تعامل نقش داشته و فرایندهای تدوین آن را شکل می دهد. اینجاست که عرصه ظهور رفتارهای امنیت ساز حتی زمینه ساز و فراهم کننده بسیاری از فعالیت های ملی خواهد گردید. لذا یکپارچگی مفهومی و عملی برای تدوین راهبردهای امنیت ملی یک ضرورت است، در حقیقت پیچیدگی مورد تأکید حاصل فعل و انفعال های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ژئوپلیتیکی بوده و در شعاع ادراک مشترک نخبگان است که سه مفهوم کلیدی اهداف، ابزارها و شرایط را تجلی می بخشد. اهداف، عمدتاً ناظر بر سه حوزه تامین امنیت، توسعه امنیت و کسب منزلت بین المللی است. ابزارها نیز، زمینه های مختلفی را شامل می شود. شرایط نیز ترجمان محیط امنیتی است که به مثابه یک ظرف میداندار اعمال امنیت ملی است. [۱۴۴:۲۹]

بدیهی است که چنین نگرشی در درک عمیق تر روند امنیت ملی، کشف راهکارهای مناسب برای پیشبرد اهداف، شناخت رفتار و انگیزه بازیگران داخلی و خارجی صحنه امنیت و کاهش دوگانگی در حوزه اجرا و متدولوژی تصمیم گیری، نقش اساسی ایفا می کند. و راهبردهای امنیت ملی بازتاب همپوشی رویکرد رهبران و سیاست گذاران و فرایند شکل گیری اهداف و ماهیت آن ها است که هم چون یک رابطه ارگانیک عمل می نماید.

البته در این میان مشکل اصلی دیگری خود را نمایان سازد که تا چه حد تابع موازین استراتژیک در عرصه نظر بوده و از چه نوع خط مشی و سیاستی در پهنه پژوهش و فرایندهای متدولوژیک تبعیت می نماید. در این خصوص، تفاوت های متدولوژیک و تعارضات راهبردی قابل توجهی در تحلیل تصمیم در کشورها مشاهده می شود و به نظر می رسد بررسی جامعی از این مطالعات می تواند به ایجاد درک مدیریت آسیب های امنیت ملی در دو حوزه متدولوژیک و تدوین راهبرد مدرساند.

متغیرهای دخیل در راهبردهای امنیت ملی هم چون عصر اطلاعات و نوسازی در نظام پرتلاطم توقعات و مطالبات داخلی و بین الملل واجد نفوذی مؤثر، فعال و قابل ملاحظه است و ویژگی های عمده امنیت ملی را که در نحوه تعامل راهبرد و متدولوژی سیاست گذاری امنیت ملی در کشورهای نوگرا و روبه رشد موثر است برجسته می سازد این ویژگیها عبارتند از:

### الف) فعال سازی

این وصف ناظر بر الگوهایی از تلاش پایدار برای به دست گرفتن ابتکار عمل در ایجاد و تقویت و تثبیت امنیت در ارکان مختلف و محیط های گوناگون است. این تلاش ها تا حدودی در قالب برقراری پیوند میان نیاز - امکانات با جامعه داخلی و قدرت - امنیت در دیگر کشورها نمود می یابد. بازتاب دیگر آن به صورت ایجاد یا مشارکت در منافع امنیت طرفین است که متضمن فعال گردیدن در بلوک ها، پیمان ها و روابط امنیتی است. [۱۵:۴۹]

### ب) پاسخگو نمودن

این وصف ناظر بر وقوف فزاینده در لزوم بهره مندی از توانایی های مستقر در حوزه های گوناگون امنیتی برای تأثیرگذاری بر فعالیت مخاطبان و مصرف کنندگان خود است. همچنین پاسخگو بودن به افزایش کارائی و نفوذ و حضور امن و مقتدر نسبت به نیازها و مطالبات امنیت ساز داخلی و خارجی، در نتیجه بهبود کارکردهای موثر و هدایت شده قدرت ملی است که بایستی پاسخگوی تامین منافع و اهداف ملی باشد. [۱۶:۱۷۹]

### ج) متنوع بودن

این وصف به تلاش هایی اشاره دارد که برای تغییر، تنوع سازی یا قطع پیوندهای متصلب و سنتی امنیت با حوزه های ضروری و نوین در محیط داخلی و بین المللی امنیت صورت گیرد.

### د) هویت مدار و بومی

به معنای تطابق بیشتر میان اهداف و ابزارهای امنیتی با اهداف و ارزش های ایدئولوژیک است که خودساز کارهای مهم و قابل توجهی دارد. لزوم تعامل فی مابین نیاز راهبردی و ارزش های ایدئولوژیک امنیت ملی، در افزایش توانایی و تنوع داخلی

و یا آمیزه ای از هر دو در نیل به امنیتی مشروع و هویت ساز موثر می باشد.  
[۱۷:۸۸]

### ه) پیچیده بودن

این وصف ناظر بر افزایش نقش منابع و حوزه های تولید امنیت در کشورها اعم از نهادها و سازمان های مسئول است. چرا که نقش این سازمان ها و نهادها است که تعریف و احساس امنیت از آن دامنه می یابد. این نقش ها مبداء و آغازگر تعاملات مرتبط با فعالیت های پیچیده امنیت ساز در حوزه نظامی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فنی از طریق تبیین الگو و مدل های امنیت ساز از طریق بهره گیری از هیأت ها، کارشناسان و اندیشمندان مجرب به منظور و تنظیم راهبردهای امنیت ملی و مانند آنها می شود. [۱۸:۱۱۹]

### و) اثربخشی

این وصف، اشاره به الگوهای پایدار، مداوم و صورت بندی شده داشته و از امنیت و تلاش در اجرای تصمیمات و اقدامات امنیتی بر اساس راهبرد تعیین شده حکایت می کند.

در مقام تطبیق ویژگی های مذکور با چگونگی روند و فرایند سیاست امنیتی، به عنوان یک برنامه کلان، نوپرداز و توسعه گرا در حوزه امنیت است و باید اذعان داشت که آشفتگی در نظریه پردازی امنیتی، آسیب اصلی در نیل به این اصول است و مراحل طرح ریزی و سیاست گذاری امنیت ملی، در عرصه و روش تصمیم سازی را دچار تزلزل می سازد. آنالیز و بررسی نظریات امنیتی در هر کشور، نیازمند طی مراحل پنج گانه ای است که به نظر می رسد در تعیین راهبرد امنیت ملی در کشورها باید فرایند منطقی و قابل اتکایی را طی نمایند، این مراحل عبارتند از:

### ۱- نقد و تحلیل جانش های راهبردی امنیت ملی

اولین و مهم ترین مرحله در تنظیم سیاست گذاری امنیت ملی، شناسایی مسائل و تشخیص مشکلات و چالش های مترتب بر حوزه امنیت ملی است. در این مرحله سیاستگذاران و استراتژیست ها و تصمیم گیرندگان، درصدد درک جوانب موضوع بر می آیند. این درک، مبتنی بر شناخت محیط امنیتی به صورت عینی و عملیاتی بوده به گونه ای که بتواند شبیه سازی و تنظیم سناریوهای پیش بینی نگر را در نزد روشنفکران، متخصصان و نخبگان فراهم آورد [۱۹:۶۸]. رسانه ها نیز در این بین به

تولید آگاهی ترسیم تنگناها، قابلیت تولید رفتار و برنامه و تبیین ابعاد موضوع اهتمام می‌ورزند. این مرحله از آن جهت مهم است که انطباق محیط ذهنی (Subjective) رهبران را با محیط عینی و عملیاتی امنیت ملی فراهم می‌آورد نقش روشنفکران متعهد به اصول ایدئولوژیک، نظریه پردازان، پژوهشگران و تیم‌های کارشناسی و مجرب در این بین بسیار مهم بوده تا از سوی نخبگان مورد اتکاء قرار گرفته و موجب استحکام راهبرد امنیت ملی گردد.

### ۲- تدوین راه حل‌های اساسی

در این مرحله، براساس الگوهای عقلانی و عمل‌گرایانه، کلیه سناریوها و آلترناتیوها مورد بررسی قرار می‌گیرند، چرا که شناخت دقیق شرایط محیط امنیتی در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پردازش شده و نقاط ضعف و قوت هریک از گزینه‌ها اهمیت خاص خود را می‌یابد. الگوی عقلانیت محور در این مرحله مستلزم به کارگیری کارشناسان خبره و متعهد و مقید به اصول و گروه‌های تخصصی در زمینه برنامه‌ریزی سیاسی و طراحی راهبردی جهت ارائه ابتکارات و یافتن ابزارهای مناسب برای نیل به اهداف و سنجش آلترناتیوها برای گزینش بهترین راه حل می‌باشد. با این وجود در این مرحله نیز تعداد مراکز طراحی سناریوهای احتمالی برای تحقق راهبرد امنیت ملی، در صورت نگاه غیر ارزشی و یا غیراصولی به قدرت مشکل ساز می‌شود. [۲۰:۱۱۲]

### ۳- مرحله تصمیم‌گیری راهبردی

در این مرحله، تصمیم‌گیرندگان باید تمامی راه‌ها نه صرفاً یک گزینه را از قبل مطالعه و مورد کنکاش قرار دهند؛ اما تعدد مراکز تصمیم‌گیر در زمینه امنیت ملی به یقین مشکلات عدیده‌ای را به وجود خواهد آورد؛ از جمله نامشخص بودن نهاد تصمیم‌گیرنده، با توجه به نوع سیاست‌های امنیتی در هر رخداد (عادی-بحرانی)، عدم اطلاع نهادهای تصمیم‌گیرنده از تمامی داده‌های خبری و مصالح و ضرورت‌های ملی موجود در رابطه با موضوع مورد نظر، عدم ارتباط و هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر، به گونه‌ای که گاه تصمیمات یکدیگر را خنثی و یا به دلیل تداخل کارکرد، ابهاماتی را در باب اجرای سیاست‌های امنیتی ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، ابهام در هدف و مشخص نبودن ابزارهای پیاده‌سازی در تصمیم‌گیری از سوی نهاد تصمیم‌گیرنده، موجب نامشخص بودن نحوه بازخواست، استفسار و یا

کسب تکلیف و نامعلوم بودن نحوه نظارت می گردد. در این مورد، حتی اگر تعدد مراکز تصمیم گیر مشکل ساز هم نباشد، تداخل کارکرد این مراکز به غایت مشکل آفرین است.

#### ۴- اجرای تصمیمات راهبردی

در این مرحله نبود کادر مجرب و متعهد به اصول و یا موانع پیش بینی نشده در اجرای تصمیمات اتخاذ شده، مهم ترین مشکلی است که فراروی اجرا و پیاده سازی راهبردهای امنیت ملی توسط نهادهای مسئول بوجود می آورد. انتقادات متعددی که از سوی فراکسیونهای پارلمانی و احزاب رقیب سیاسی بر عملکرد امنیتی آمریکا در خصوص پروژه ها و عملکرد امنیتی او در خاورمیانه صورت می گیرد، گواه این مطلب است که رفتار امنیتی آمریکا در اجرای سیاست های متخذه و پیش بینی آثار و عواقب مترتب بر آن با مشکل جدی مواجه است. از این رو به تعبیری کاملاً رسا، تصمیم گیری اشتباه را شاید بتوان جبران کرد، اما ناتوانی در اجرای تصمیمات اخذ شده در حوزه امنیت ملی در تمامی کشورها همواره شائبه ای را در حد فاصل خدمت و خیانت باقی گذاشته و آسیب زاست. [۲۱:۹۳]

#### ۵- ارزیابی و کنترل راهبردی

این مرحله معمولاً توسط کارشناسان متخصص و ارشد امنیتی، رسانه های تخصصی و احزاب سیاسی قانونی صورت می گیرد؛ اما افکار عمومی نیز در این میان نقش مؤثری دارند. آنچه در این خصوص مهم است، اطلاع رسانی امانتدارانه و آرامش ساز امنیتی به مردم است و مخالف خوانی و رفتار کارشکنانه در رسانه های جمعی در این حوزه بسیار آسیب زا و ناپسند است. بلکه باید به عنوان جریانی مشفق و کمک کننده در جهت بسترسازی اجرای سیاست های امنیت ملی و در خدمت سلامت و آرامش ملی عمل نمایند، به خصوص که فضای حاکم بر این رفتار، در صورت پنهانکاری و افشاء اسرار بسیار آسیب پذیر است. هر چند که رسانه های خارجی را نیز نباید کاملاً رها و حضور آنان را در محیط ملی منطبق با منافع امنیت ملی دانست. با این وجود، این نهادینگی و تعامل منطقی میان نهادهای مسئول در امنیت ملی و ناقدین حقیقی و دلسوز در کشورها موثر، پرمحصول و قابل اتکاء است



و اما در حوزه های ارزیابی و طراحی راهبردی، وضعیت غامض تر و پیچیدگی مضاعف است. نکته ای که در خصوص آشفتگی نظریه پردازی اشاره شد، عمدتاً ناظر بر ضعف ارزیابی و کنترل راهبردی میباشد، چرا که استراتژی هایی که الزاماً بایستی موید جهت گیری کلان امنیت ملی باشند نمیتوانند در عمل نظارت و کنترل و ارزیابی بر رفتار و کارکردهای خود را توسط نهاد مسئول دیگری بپذیرند و در چنبره باز تولید امنیت سلبی، در می غلطند.

البته ریشه برخی از این آسیب ها و تنگناها را باید در کمبود تئوری و نظریه پردازی خاص فلسفه امنیتی در کشورها دانست که در تنگناها و بحران ها بسیار رخ می نماید و عمدتاً در فقدان آموزش و یا عدم آگاهی از چارچوب های تئوریک و درک درست محیطی، به موقع و روزآمد سازی پدیده های امنیت ملی و آثار آن تشدید می شود که ناکارآمدی آمریکا در بحران عراق نمونه بارز این عدم درک بوده و مثال زدنی است. ضعف دیگر، مشکل نظریه پردازی و طراحی راهبرد امنیت ملی از ناحیه عدم تلازم و توجه میان معادله مصلحت، حکمت و عزت است.

### □ نتیجه گیری :

رابطه امنیت خارجی و داخلی، گزینه های راهبردی، ظرافت های پی جوئی امنیت و فرایند اعمال و تعقیب آن در شمار مهم ترین سئوالات مطروحه این مقاله بود. باید در این زمینه آسیب شناسی را به عنوان یک ضرورت مستمر جهت پالایش آرایه های امنیتی یاد کرد؛ لذا طرح آسیب را یاری گر و بستر ساز یک سیاست امنیتی موفق در راستای دفاع از منافع و امنیت کلی کشور بر می شمارد.

بر اساس دین منطقی به نظر می رسد که در سیاست امنیتی نباید به دنبال تبیین یک راهبرد حداکثر گرا رفت؛ زیرا نمی توان تمامی اصول، مبانی و خواسته ها را در یک زمان و یک دوره معین و با مشارکت همه لایه ها محقق نمود، بلکه باید عاقلانه و تاریخی اندیشید و تدریجی عمل کرد و برای تحقق اهداف و مطلوبیت ها ترتیب و زمان قائل شد؛ زیرا سیاست امنیتی به مفهوم امروزی آن، عرصه عمل بخشیدن به مزیت های نسبی بوده و تعامل اهداف و منابع کشور را با توجه به حاصل جمع متغیر صورت می بخشد. همچنین هماهنگی و انسجام درونی میان

اهداف امنیتی و مطالبات ملی و اجماع سازی میان رجال و جریانات سیاسی در کشورها جهت حل و فصل پارادوکس های امنیتی، ضرورتی انکار ناپذیر است. حاصل آنکه تعدد مراکز تصمیم گیری و عدم تمرکز آنان بر هدف ملی در سیاست امنیتی کشورها، سبب بروز تداخل و موازی کاری، ضعف در سیاست گذاری معطوف به عمل و طراحی پراسیب راهبردها، آشفتگی های نظری و درهم تنیدگی متدولوژیک، عدم نفوذ ابزارهای متعدد امنیت ساز، بی توجهی به مراکز اصلی کارشناسانه و متعهد به نتیجه و هدف و یا ارج نهادن به یافته های علمی و تجربی آنان، فقدان کنترل عملکرد و ارزیابی هدف راهبردی در پی جوئی امنیتی جهت بهره برداری بهینه در بحران های پیش آمده گردیده که در جایگاه خود از مهم ترین حوزه های امکان بروز آسیب پذیری در راهبرد های امنیت ملی خواهد گردید که باید متناسب با هریک، راه حل های اندیشمندانه از برای آن صورت پذیرد. در هر صورت در خصوص آسیب شناسی راهبردی، سیاست گذاری و جهت گیری های کلان و حوزه های میکرو، علاوه بر موارد فوق الذکر، نقدهای دیگری را نیز می توان بر روشها و تکنیکهای تدوین راهبردهای امنیت ملی در کشورها جستجو و برشمرد که طرح آنها به درک موضوع کمک می کند. در پایان می توان توجه به اصول زیر را در زمره توصیه های مقاله تجویز نمود:

۱- اصولاً راهبرد امنیت ملی، ماهیتی نخبه گرایانه دارد. فهم امور مربوط به امنیت ملی و نیز اجرا و پیاده سازی آن، طی قرون و اعصار در حلقه های محدود نخبگان سیاسی میسر بوده و خواهد بود. با توجه به این که تعداد نخبگان سیاسی در کشورها رو به فزونی می رود، باید اذعان داشت که قشر نخبه باید، دایره توجه به رویکردهای اتخاذ تصمیم امنیتی را حرفه ای تر بروز نماید تا بتوانند افکار عمومی را به راحتی در اختیار گیرند و نفوذ جنگ روانی حریف در امان بمانند.

۲- یک ابر سیستم طراحی و تفکر راهبرد ملی همچون یک کاریز ما و یا تنظیم کننده سیاست ها و هماهنگی ها هم چون الگوی ج.ا.ا جهت سایه انداختن بر سیاست گذاری های امنیت ملی، می تواند مثرثمر باشد. در برخی کشورها ساختاری همگون که در تمامی عرصه ها بر مبنای منافع ملی تنظیم شده باشد، وجود ندارد و سبب می شود تا فرهنگ و نظام آموزشی نخبه پرور در کشور در

یک مسیر معین قرار نگیرد. لذا منافع جناحی و گروهی در برخی مواقع به جای منافع ملی نشسته و گذار به جمع صورت نخواهد گرفت.

۳- محافل آکادمیک و مجامع دانشگاهی در امور راهبرد امنیت ملی، کمتر اندیشه ساز بوده اند و کمبود و نارسایی در حوزه کتب مربوط به سیاست های امنیتی در دنیا، دلیل بارز این مدعاست و این مهم را نمی توان به راحتی از ساخت دستگاه و راهبردهای امنیت ملی زدود و جد و جهد لازم را برای خلق اندیشه های راهبردی و جهت دهی به مباحث امنیت ملی با تأسیس مراکز آموزشی متعهد و گزینش و تربیت خاص در مدیریت راهبردی و امنیت ملی بایستی به عمل آورد.

۴- اولویت های حیاتی و حساس در حوزه امنیت ملی به راحتی تثبیت و یا مشخص نمی شود و شاید به تعبیری دیگر، کمتر اساس و معیاری برای اولویت بندی وجود دارد. بی توجهی به ضرورت پیروی و پیوند میان منافع ملی و ایدئولوژی در سیاست امنیت ملی، عدم درک یکسان از قواعد امنیت، عدم برداشت هماهنگ از اصول، اهداف و چارچوب های امنیت ملی، به هم خوردن موازنه در مطالبات امنیتی و امکانات ملی و تحولات ساختاری معطوف به آن، ضمن ایجاد آشفتگی در اولویت بندی سیاست های امنیت ملی، تصمیم گیری راجع به آن را به فرآیندی پیچیده و متغیر مبدل ساخته است. بدیهی است که فوری ترین پیامد غلبه وضعیتی فوق، از دست دادن فرصت و بروز شرایط غافلگیری است.

## □ منابع و مأخذ

۱. ویور، الی، امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن، مترجم: مرادعلی صدوقی، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۰.
۲. رنجبر، مقصود، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۳. کاظمی، علی اصغر، مدیریت بحران های بین المللی، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۶.
4. Orum, Anthony M. "Introduction to political sociology": the social Anatomy of the body politic, New Jrissey: prentice- Hall- Inc. 1989.
5. Mitchil, Walliam C., " system Analysis: political system" , in International Encyclopedia of the Social Science, Edited by David L. Sills, USA, Crowell and mac MiIlan, Inc, 1968.
6. Neison Barbara " Public Policy and Administration: An Overview", in A New Hand book of political science, edited by Robert G. goodin and Tiaus- Dieter klingemann, new york, oxford University press, 1996.
7. Pierson, Christopher, the Modern state, London and new york, routledge, 1996.
8. Robinson, james , " Decision- Making: political Aspects", in international Encyclopedia of the social Science, Edited by David L. Sills, USA . Crowell and Mac Millan, Inc. 1968.
۹. هلد، دیوید، مدل های دموکراسی، مترجم: عباس مخبر، تهران، روشنگران، ۱۳۶۹.
۱۰. بخشایشی، احمد، اصول سیاست جمهوری اسلامی ایران، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵.
11. Professional policy- Making for the twenty first century, reported by strategic policy making team, cabinet office, September, 1999.
۱۲. ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، انتشارات سمت، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۸.
۱۳. خلیلی، رضا، عوامل و مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی امنیت ملی، مجله راهبرد، ش ۲۸، تابستان ۱۳۸۲.

۱۴. رضایی، اکبر، بررسی استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه

دیدگاه ها و تحلیل ها، شماره ۱۴۳، بی تا.

15. Weldo, Dwight, " public Administration" , in International Encyclopedia of the Social science, Edited by David L. Sills, USA , Crowell and Macmillan, Inc. 1968.

16. Several Problems of Setting up the National Security, By Naruhiko Ueda, 1998

17. Anderson James A. , David W. Brady, Charles S. Bullock and Joseph Stewart, Jr., Publick policy and politics in America, Monterey, California, Book/ cole publishing Company, 1984.

18. Dye, thomas, R. Understanding public policy, 4 th. Englewood cliffs, N.J. Printice- Hall, 1981.

19. Eroman Lewis, A. " public policy" , in Internatial Encyclopedia of the Social Science, Edited by Darid L. Sills, uo SA, Crowell and Mac Millan, Ine. 1968.

20. K.J. Holsti, International Politics, Ekglewood Cliffs: N.J., Prentice- Hell, 1988.

21. Gelbert, Chances, E., "Walfare Policy", in Handbook of Political Science, Policies and Policy- Making, Edited by Fred I. Greenstein and Nelson W. polsby, Volume 6, California Addison – Wesley publishing Company, 1975

22. Lispon, leslie, the great Issue of politics: An Introdction to political science, new york, printice- Hall, fnc. 1985.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی